

تغییرات تدریجی نفوس دنیا تا زمان حاضر

برای آنکه تغییرات تدریجی تعداد نفوس افراد بشر را در آتیه مورد دقت قرار دهیم لازم است از تغییراتی که در گذشته داشته است مطلع شویم و بدانیم در قرن‌های اخیر که اجداد ما و خود ما در آن زندگی کرده و میکنیم این افزایش چه پایه ای گرفته و با چه سرعتی روبه پیشرفت است.

در ابتدای تاریخ بشریت که آن را هفت هزار سال قبل از میلاد مسیح دانسته‌اند جمعیت تمام کره زمین را بین پنج تا بیست میلیون نفر تخمین زده‌اند و برای آن که پایه گذاری صحیح برای رسیدگی‌های بعدی و آمارگیری‌های مطمئن شود این تعداد را بر مبنای ده میلیون پایه گذاری نموده و آن را اساس جمعیت دنیا در آن قرن دانسته‌اند. ۲۵۰۰ سال بعد یعنی ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح جمعیت دنیا از ده میلیون نفر به بیست میلیون رسیده است.

یعنی ۲۵۰۰ سال لازم بوده است تا جمعیت دنیا به دو برابر برسد و دوهزار سال دیگر لازم بوده تا این جمعیت از ۲۰ میلیون به ۴۰ میلیون بالغ گردد و ۱۵۰۰ سال دیگر گردش زمان باید طی میگردد تا جمعیت از چهل میلیون به هشتاد میلیون برسد و برای آنکه جمعیت به ۱۶۰ میلیون برسد هزار سال دیگر وقت لازم بوده است - بدین نهج جمعیت تمام کره زمین در شروع تاریخ مسیحیت ۱۶۰ میلیون بوده است - بعضی از مورخین و جامه شناسان جمعیت دنیا را در ابتدای تاریخ مسیحیت بین ۱۰۰ الی ۳۰۰ میلیون تخمین زده بوده اند . ولی بطوری که به ثبوت رسیده است جمعیت نمی توانسته است از ۱۶۰ تا ۱۸۰ میلیون بیشتر بوده باشد.

نهد سال بعد از تاریخ مسیحیت جمعیت دنیا به ۳۲۰ میلیون و در شروع قرن هفدهم به ۶۰۰ میلیون بالغ گردیده است .

یکصد و پنجاه سال بعد یعنی در سال ۱۸۵۰ جمعیت دنیا تخمیناً به ۱،۲۰۰ میلیارد رسیده و از این تاریخ که دستگاہهای آماری بهتری در دنیا ترتیب داده شده ارقام دقیق تری بدست آمده است . بطوری که در سال ۱۹۵۰ جمعیت دنیا را میتوان علی التحقیق ۲،۵۰۰ میلیارد نفر دانست . در مرحله آخر یعنی سنوات بین ۱۹۵۰ / ۱۸۵۰ که يك قرن تمام میشود افزایش جمعیت از حد خارج شده و ایجاد نگرانی نموده است.

با توجه به ارقام فوق ملاحظه می شود که اگر در ابتدای تاریخ بشریت و بعد از آن ۲۵۰۰ سال ۲۰۰۰ سال و یک هزار و پانصد سال و یک هزار سال زمان لازم بوده است که جمعیت بدو برابر برسد در قرنهای گذشته نزدیک فقط یکصد سال برای آن وقت لازم شده است بطوریکه از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که در نیمه دوم این قرن یعنی تا ۳۰ سال دیگر افزایش جمعیت خارج از حد تصور خواهد گردید.

از آنچه گذشت می توان اینطور استنباط کرد که قرن حاضر قرن است خطرناک زیرا در سنوات آخر آن که نسبتاً زمان کوتاهی را تشکیل می دهد .

جمعیت دنیا چنان افزایش خواهد یافت که عرصه را بر بشریت تنگ خواهد نمود .

برای آنکه مطلب بهتر روشن گردد باید خاطر نشان ساخت که امروزه دیگر جمعیت دنیا در یکصد سال دو برابر نخواهد گسردید بلکه دوران این افزایش یعنی دو برابر شدن خیلی کوتاهتر از حد تصور شده و میزان آن به چهل سال تقلیل یافته است .

- در حال حاضر جمعیت دنیا را ۳،۳۰۰ میلیارد می دانند .

نشریه جامعه ملل که توسط متخصصین طراز اول آمار گیری تهیه گردیده جمعیت دنیا را در سال ۲۰۰۰ یعنی ۳۰ سال دیگر بین شش الی شش میلیارد ونیم تخمین کرده است .

در جریان ۱۹۶۰ سالی که از تاریخ مسیحیت گذشت ، جمعیت دنیا از ۱۶۰ میلیون نفر به ۲،۵۰۰ میلیارد نفر رسید ولی در طی ۴۰ سال یعنی از ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۰ به جمعیت دنیا قاعدتاً باید ۳،۵۰۰ میلیارد اضافه گردد - این رقم وحشت آور و غیر قابل تصور است .

علت این افزایش سرسام آور مطابق آماری که در دست است آتقدها مربوط به افزایش موالید نیست بلکه کم شدن مرگ و میر مخصوصاً در بین پیران و اطفال می تواند علت اصلی آن باشد. اگر به نشریه های مختلفی که در زمینه تمداد نفوس دنیا منتشر می شود توجه شود ملاحظه می گردد که متوسط سن که در گذشته بسیار کوتاه بوده اخیراً افزایش فوق ماده ای یافته است . و علت آن اعمال و روشهای بهداشتی صحیح و تلقیح بموقع اطفال و بزرگسالان در مقابل امراض گوناگون می باشد .

باید قبول کرد که شش میلیارد پاشش میلیارد ونیم جمعیت سال دوهزار

چنان مسائل یفرنج و پیچیده‌ای برای دنیا بوجود خواهد آورد که اگر از هم اکنون بدان نیاندیشند انهدام قطعی بشریت حتمی خواهد بود. زیرا تغذیه این جمعیت که امروزه عدهٔ متنابهی از آن گرفتار قحطی و کمبود مواد مصرفی می‌باشند مسئله بسیار مهمی است که باید توجه خاص بدان معطوف گردد.

طبق محاسبه بالا مواد مصرفی مورد احتیاج جمعیت سال ۲۰۰۰ باید به دو برابر و نیم افزایش یابد ولی چون بشر امروزی وضع تغذیه خود را بهتر ساخته و روز بروز در فراهم آوردن رفاه بیشتر می‌کوشد محققاً به مواد مصرفی بیشتری احتیاج خواهد داشت که جوابگوی تمنیات و خواسته‌های روز افزون او گردد.

بشریت در سال ۲۰۰۰ دو مرتبه بیش از آنچه در حال حاضر مصرف می‌کند احتیاج به مواد مصرفی (پوشاک - خوراک و ...) خواهد داشت. ولی تهیه سه برابر آنچه بشر می‌خواهد بیشتر جنبه خیال دارد تا جنبه عمل اگر قدری دقت به آلات و ادوات و ماشین آلات و کارخانه‌ها و تشکیلات موجود دنیا که محصولات مورد مصرف بشر را تهیه و در سراسر دنیا در دسترس قرار می‌دهد بشود ملاحظه میکنیم که برای سه برابر کردن مواد مورد مصرف و خدمات بشر بیکدیگر این دستگاهها باید سه برابر گردند.

قدری تعمق در این موضوع عدم امکان انجام این امر را به ثبوت می‌رساند زیرا هرچه قدر بشریت امروز فداکاری از خود نشان بدهد نتوانست در سی سال این وسائل راحتی به دو برابر وضع موجود رسانیده و یا کشاورزی را به سه برابر وضع امروزی برساند.

لذا بطور قطع و یقین بشریت در سال ۲۰۰۰ و در سنوات بعد از آن دچار چنان مشکلات طاقت فرسائی خواهد شد که به وصف نخواهد آمد.

مسلمانان از قدیم‌الایام بخود می‌گفتند که دنیا روزی به آخر خواهد رسید. این مطلب را موقمی که طفل بودم مسخره تلقی می‌کردم و به خود می‌گفتم چگونه دنیا با آخر خواهد رسید ولی امروز که به علم جامعه‌شناسی قدری واقف گردیده و در جستجوی تکمیل اطلاعات خود بوسیله انتشارات گوناگون و مجله‌ها بر آمدم به خوبی می‌بینم که این گفتار مسلمانان بیهوده نبوده و نیست و روزی خواهد رسید که بشر خود بدست خود منهدم خواهد گردید.

ناگفته نماند که افزایش سرسام‌آور جمعیت کره زمین عوارض عذیبه بوجود می‌آورند زیرا حتی با کوشش فراوان بشریت نخواهد توانست برای خود مسکن - ملبوس - غذا - ارتباط وسائل تفریح و... یعنی آنچه لازمه بقا و استفاده از زندگی است تهیه نماید. تمدن امروزی به غلط با اختراعات عذیبه احتیاجات بشر را طوری توسعه داده است که رهایی از آن امکان عقلی و عملی ندارد و افراد بشر مانند عنکبوت‌هایی شده‌اند که در تارهای خود بدور خود تنیده‌اند زندگانی می‌باشند. نتیجه این بی‌تدبیری عبارتست از شهرهای پر جمعیت آلودگی هوای مورد استنشاق - امراض گوناگون بخصوص امراض روحی که روز بروز در ممالک ظاهراً مرفقی رو به فزونی گذارده است.

اگر بخواهیم قدری از کشور عزیزمان صحبت کنیم باید بگوئیم در دو دهه اخیر که کشور ما تحت رهبری خردمندان قائم خود در شاهراه ترقی قدم نهاد و افراد کشور که در گذشته به حساب نمی‌آمدند جنبه وجودی و انسانی پیدا کردند و قدر و قیمت انسان بودن به آنها داده شد و برای آنکه از نیروی خلاقه این انسانها که عمری از آنها به بطالت گذشته بود برای توسعه اقتصاد کشور استفاده گردد مسئولین امر و امنای کشور توجه همه جانبه به امر بهداشت و تغذیه صحیح مردم نمودند و با کوشش خستگی ناپذیر خود کشور را در عداد ممالک مرفقی در آوردند.

اگر استاندارد زندگی مردم هادی امروز کشور را با استاندارد زندگی
چهل یا پنجاه سال قبل مقایسه نمایم می بینیم که در آن زمان بهیچوجه توجه
به میزان کالری لازم برای حفظ سلامت بدن نبود و بالتبع نتیجه اکثریت مردم
در کسالت‌های مختلف زندگی کوتاه خود را سپری می کردند تعداد مرگ و میر
مخصوصاً بین اطفال و جوانان زیاد بود.

ولی امروزه اینطور نیست اکثریت نزدیک با اتفاق مردم ام از طبقه
فقیر یا غنی مراقب بهداشت خود و خانواده خود هستند و هر کس سعی دارد
با کار بیشتر برای خود رفاه بیشتر فراهم نموده و اطفال خود را با مراقبت‌های
بهداشتی از مرگ و میرهایی دهد.

پیدایش داروهای جدید از قبیل پنی سیلین - آنتی بیوتیک‌ها انواع
سرکبیات کسورتون - واکسن‌ها - ویتامین‌ها که برای حفظ افراد
بهر از حمله امراض بکار می روند خود از عوامل مؤثر حفظ نسل و تکثیر
نفوس می باشند.

امروزه همه سعی دارند هرچه بیشتر زنده بمانند و از این دنیای ذیبا
تا امکان دارد استفاده نمایند زیرا ترقیات و اختراعات محیر العقول بشر
گرچه همه را خسته نموده ولی سرعت حرکت او را بی اندازه زیاد کرده و
اسراری از طبیعت را برای او عیان نموده است که علاوه بر لذات روحی تسهیلات
فراوانی برای بشر فراهم آورده که چون بدان خو گرفته است حاضر بترك
آن نیست.

غریزه حفظ خود و غریزه حفظ نسل در کلیه افراد بشر که هادی فکر
می کنند هر روز قوت بیشتری گیرد و تعداد نفوس دنیا را به حدی میرساند.
که دیگر زندگی بر همه بقدری تلخ می گردد که بشر با اضطرار قصد رجعت به
زندگی بربریت و فرار به بیابانها و جنگلها را خواهد کرد ولی آنهم برایش
میسر نخواهد گردید و آنقدر در گردایی که خود برای خود ساخته است دست
و پا خواهد زد تا در آن غرق شده و نابود گردد.

تجمع مردم در شهرهای بزرگ مانند توکیو - نیویورک - لندن - و حتی تهران خود دلیل است که بشر بدست خود برای خود گرفتاری ایجاد می نماید .

تصور اجتماع ۱۲ میلیون نفر در يك شهر جز آنکه بلاهت بشر را نشان دهد نمی تواند مطلب دیگری را ثابت کند . از این سخنان بگذریم و قدری درباره عواملی که باید زندگی بشر را در سال ۲۰۰۰ و بعد از آن بنحوسبتاً رضایتبخش تأمین نماید دقت و توجه نماییم .

یکی از این عوامل مابین هزاران عوامل دیگر انرژی و قوه محرکه است و بيمورد نیست که درباره آن برای سال ۲۰۰۰ و بعد از آن قدری بحث شده ودقت گردد.

برای آنکه میلیاردها اسب آهنینی را که بشر در سال دوهزار و بعد از آن برای کشت زندگی خود بدان احتیاج دارد تغذیه نموده و به حرکت در آورد . مقادیر عظیمی ذغال - نفت - گاز طبیعی و نیروی برق لازم است .

اگر بر مبنای حسابهای حاضر در اروپا مبادن ذغال سنگ موجود را که برای استخراج بعضی از آنها باید تا دو هزار متر به عمق زمین فرو رفت در نظر بگیریم ذخایر آن تا ۲۰۰۰ سال دیگر کفاف مصرف را میدهد ولی اگر تا ۱۲۰۰ متر پایین برویم در اروپا ذخایر میتوانند فقط مصرف ۵۵۶ سال را تأمین کنند . ولی ذخایر شوروی کفاف مصرف آنرا تا ۳۵۰۰ سال و ذخایر آسیا کفاف مصرف را تا ۳۶۰۰ سال خواهد نمود .

در گذشته ذغال سنگ مصرف فوق العاده زیادی داشت و اکثر احتیاجات حقیقی را این ماده محترقه مرتفع می ساخت .

ولی امروز ایام ذغال جای خود را به نفت و گاز داد بطوری که امروزه نفت و گاز مقام اول را در مصرف مواد محترقه دارا گردیده است .

در سال ۱۹۰۰ میلادی ذغال ۹۰ درصد مصرف را در صنعت پر میکرد.
در سال ۱۹۲۰ میزان مصرف آن به $۷۲/۶$ درصد تقلیل یافت و در سال ۱۹۳۸
به $۵۷/۴۰$ درصد رسید.

در صورتی که در ۱۹۵۸ به ۵۰ درصد تقلیل پیدا کرد.
سهم نفت گاز در سال ۱۹۰۰ - $۳/۸$ درصد بود در سال ۱۹۵۸ به
 $۴۴/۱$ درصد بالغ گردید.

در حال حاضر سهم نفت و گاز طبیعی در مصارف مواد محترقه مورد
لزوم دنیا دست کمی از سهم ذغال ندارد. معذالك هنوز ذغال سنگ قدری از
نفت و گاز پیشی دارد ولی آنچه مسلم است در این مسابقه نفت و گاز بر ذغال
فاتح خواهد گردید.

مطلبی که فوق‌العاده جلب نظر میکند موضوع نفت و گاز طبیعی است که
از ابتدای قرن حاضر اهمیت فوق‌العاده‌ای بخود گرفته است و برای درک آن
باید متوجه بود که در سال ۱۹۰۰ جمع محصول نفت و گاز در سراسر دنیا از
۲۰ میلیون تن تجاوز نمی‌کرد که قسمت اعظم آن را روسیه تزاری و دول
متحدہ امریکا تهیه مینمودند و سایر ممالک بقدری در این زمینه بی‌اهمیت
بودند که اصولاً ذکر نام آنها را لازم نمیدانسته‌اند. در اولین جنگ قرن حاضر
میزان محصول از ۲۰ میلیون تن به ۵۰ میلیون تن ترقی یافت و نفت و بنزین
دل اولیه و اصلی خود را در جنگ جهانی اول بازی کرد زیرا تانکهای ممالک
متفق که با بنزین و نفت امریکا بحرکت در می‌آمدند از هر حیث بر تانکهای
آلمانی که مواد محترقه و محرکه آنها جز ذغال چیز دیگری نبود برتری
داشت.

این موقعیت عظیم ممالک متفق را باید مدیون امریکا دانست زیرا در
فاصله ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۳ محصول نفت و بنزین امریکا از ۹ میلیون تن به
۳۴ میلیون تن ترقی یافته بود و در حقیقت $\frac{۳}{۵}$ کلیه محصول دنیا را ممالک

متحدہ تہیہ می نمود . (در سال ۱۹۵۵ میزان استخراج نفت در دنیا بہ ۸۶۳ میلیون تن یعنی ۳۵ برابر میزان سال ۱۹۰۰ بالغ گردید .)
 از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۵۵ ہمہ مالہ تقریباً بمحصول و مصرف نفت و گاز ۱۰ درصد اضافہ گردیدہ است بطوریکہ میتوان گفت در طی دہ سال تقریباً میزان محصول و مصرف دو برابر می گردد .

این سرعت استخراج و افزایش بقدری زیاد است کہ متخصصین و ادارہ کنندگان این صنعت را نسبت بہ تمام شدن ذخایر دنیا ترسانیدہ است و لسی واردین بامر نفت و گاز این ترس را بیمورد دانستہ و اظهار میدارند آنچه در گذشتہ صحیح بودہ است در آتیہ نیز مصداق صحت دارد و ترس متخصص و کارشناسان نفت هیچ مورد و اساسی ندارد .

با وجود پیش بینی ہائی کہ راجع بہ تقلیل ذخایر نفتی توسط متخصصین و کارشناسان نفتی شدہ بودہ است ممذک در طی ۹۰ سال اخیر مخازن نفت کشف شدہ بہ حدود ۱۵ میلیارد تن بالغ شدہ کہ فقط حدود ۷ میلیارد آن استخراج شدہ و مورد بہرہ برداری قرار گرفتہ است .

با توجہ بہ اکتشافاتی کہ در سراسر دنیا در فاصلہ زمانی بین ۱۸۴۵ و ۱۹۵۵ شدہ است می توان گفت کہ پیش بینی ہائی کہ توسط مؤسسات نفتی و متخصصین و کارشناسان مربوطہ شدہ بودہ است علاوہ بر اینکہ صحیح نبودہ بی اندازہ برای دنیا ناراحت کننده و ملال آور بودہ است .

زیرا برخلاف آنچه آنان پیش بینی نمودہ اند در حدود ۱۸ میلیارد تن مخازن جدید کشف شدہ است و فقط در مدتی کہ این ۱۸ میلیارد تن کشف شدہ است مردم دنیا توانستہ اند یک ثلث آنرا استخراج نمودہ و مورد مصرف قرار دہند .

در سال ۱۹۵۶ در اثر اکتشافات جدیدی کہ توسط کارشناسان نفتی

فقط در مدتی که این ۱۸ میلیارد تن کشف شده است مردم دنیا توانسته اند نزدیک ثلث آنرا استخراج و مورد مصرف قرار دهند .

در سال ۱۹۵۶ در اثر اکتشافات جدیدی که توسط کارشناسان نفتی شده بود میزان معادن و مخازن و ذخایر را بالغ بر ۳۱۳۰۰ میلیارد تن تشخیص داده اند که نسبت بسال قبل از آن در حدود ۱۳ میلیارد تن فزونی داشته - در سال مورد اشاره میزان نفت استخراج شده به ۷۳۶ میلیون تن رسیده بوده است و این مقدار نسبت بسال قبل از آن ۲۱ در صد فزونی داشته است .

امروز از هر گوشه دنیا خبر میرسد که ذخایر نفتی جدید در نقاط مختلف دنیا پیدا شده و میشود .

و چون محصول نفت و گاز طبیعی دنیا ۱۰ درصد همه ساله نسبت بسال قبل فزونی داشته است و این آهنگ افزایش مرتباً ادامه خواهد داشت - بنابراین از نظر تهیه منابع انرژی بشر آتیه زحمتی نخواهد داشت و میتواند اطمینان داشته باشد که قرنهاى متمادی منابع انرژی لازم در اختیار خواهد داشت .

یقین است امر انرژی بشر آتیه را ناراحت نخواهد کرد مشروط بر اینکه وسائل استخراج فراهم گردد .

* * *

اگر بنظر خوش بینی بدنای آتیه نگاه کنیم و فرض کنیم که همه کس در همه جا از هم اکنون به فکر فراهم آوردن موجبات رفاه آتیه خود باشد میتواند مطالب ذیل را برشته تحریر در آوریم :

« با وجود مسائلی که در انتظار بشریت است به بینیم در ۲۰۰۰ سال میلادی و بعد از آن شانس زیادی برای بقای خود»
 « دارند مشروط بر اینکه در طی این سی سال جنگ یا جنگهایی ،
 « بسراغ آنها نیاید با وجودیکه همه میدانیم جنگهای آتی چنان»

«خانمان بر انداز خواهند بود که به هیچکس رحم و شفقتی نخواهد»
 «کرد . معذالك تلفات جوانان را باید بیش از دیگران در نظر»
 «گرفت پیران با وقوف به اینکه اطفال و نواده‌های آنان در دنیای»
 «پر آشوب آتیه زندگی خواهند کرد آنرا ترك خواهند گفت و آن»
 «رفتن خود شاید خرسندی هم داشته باشند - بطور کلی میتوان گفت»
 «سال ۲۰۰۰ مبدأ تاریخ جدیدی برای بشریت به حساب خواهد آمد»
 «و همیشه بشر باید در انتظار وقایع و ناراحتیهائی که زائیده انبوه»
 «جمعیت دنیاست باشد.»

«این احتمال نیز هست که برخلاف تمام این گفته و حدس»
 «سیات سالهای مورد بحث سنوات پر شکوهی برای بشریت باشد»
 «شکوه سنوات پیش گفته شده وابسته به شرایطی خواهد بود که»
 «ذیلا بدان اشاره میشود.»

« برای جمعیت آتیه دنیا باید از هم اکنون سعی شود »
 «که مواد غذایی طبیعی یا بصورت موادی که توسط فرمولهای شیمیائی»
 «از مواد نفتی تهیه گردد - باید طوری عمل شود که گرسنگی و»
 «قحطی زدگی از دنیا رخت بر بندد و احتیاج به آن نباشد که مملکتی»
 «برای نشان دادن تفوق خود بر دیگری مبادرت به انجام کمکهای»
 «خیر خواهانه نماید - بهر قیمتی هست باید برای آتیه با در نظر»
 «گرفتن افزایش جمعیت به فرمولهای اجتماعی صحیحی دست یافته»
 «شود که هر کشور یا هر قاره احتیاجات غذایی خود را رفع نموده»
 «و بالای خانمانسوز گرسنگی را برای همیشه از بین ببرد - بهتر»
 «نیست که موجودی بدنیا نیاید تا اینکه بیاید و در اندک زمانی که»
 «بروشنائی روزه تاریکی شب عادت نموده و در سنینی که حق دارد»
 «مانند دیگران زنده باشد در اثر قحط و غلا در بدترین شرایط جان»
 «خود را به جان آفرین تسلیم نماید.»

اگر از هم اکنون مقدمات فراهم آوردن مواد غذایی افراد بشر تهیه

گردد و همه ممالک در این راه قدم بردارند شاید بتوانند با اختراع ماشینهای کشاورزی که بازده آنها چندین برابر ماشینهای فعلی میباشد با تربیت بذرهائی که بازده آنها نیز خیلی زیاد باشد و با اضافه کردن زمینهای قابل کشت در سراسر دنیا بخصوص در ممالکی که استعداد کشاورزی قابل ملاحظه دارد کمبود آتیه را تأمین نموده و در راه تکثیر محصولات طبیعی غذایی قدمهای مؤثری بردارند تا کمتر احتیاج به مواد غذایی مصنوعی شیمیائی پیدا شود .

بشر آتیه اجبار دارد در راه ازدیاد بازده کار خود اقدام کند و فعالیت خود را طوری ترتیب دهد که احتیاج به کار کردن در طول تمام هفته نداشته باشد و بتواند در زندگی سرسام آوری که برای خود تهیه نموده است لاقط هفتهای دوروز به کوه و بیابان بزند و در سال دو مرتبه از تعطیلات استفاده نماید. کار مداومی که امروزه اکثریت افراد بشر میکنند و زندگی در شهرهای پر جمعیت و غصه و ملال روزانه برای گذراندن همان روز بشر را فرسوده نموده بطوریکه آمار نشان میدهد تعداد مریضهای روحی در سراسر دنیا بطور قابل ملاحظه ای رو با افزایش است. دیده میشود که اکثر جوانان و بعضی از پیران برای آنکه از فشار زندگی روزانه راحت شوند خود را محتاج به تخدیر دانسته و در کوچه و برزن بیقیدی و لالابالی گری خود را برخ دیگران میکشند و سایرین را که در قید و بند زندگی آداب و رسوم هستند ملامت و سرزنش مینمایند . این روح عصبان در آنان پیدا نشده مگر در اثر فشارهای ماشین تجمل زیاد - ترافیک سرسام آور شهرها و عدم توجه به مذهب را نیز میتوان علت این بیقیدی و بی بندوباری دانست .

همه آنها میکوشند تا از قیود اجتماعی که آنها را دست و پاگیر میدانند رهایی یافته - زنجیرها را بگسلند و مهارهایی را که قرارداد اجتماعی و تمدن بر آنها نهاده پاره نمایند و سر به بیابان زنند - معلوم نیست عاقبت این کار چه میشود .

جامعه شناسان دنیا وظیفه دارند این عساینها را تجزیه و تحلیل نموده

و در صدد تحقیق و کشف علل اجتماعی بروز این قبیل امراض بر آیند تا بتوانند با رفع علل به نتیجه صحیح رسیده و حیوانات هر کشور را برای هدایت نمایند که باری ازدوش اجتماع بردارند نه آنکه باری بردوش اجتماع بنهند .

با ذکر مطالب بالا و تذکر چند مطلب ساده که جزئی از شرایط میباشد خود را راضی کردیم که بشر سال ۲۰۰۰ چنین خواهد شد و چنین خواهد کرد دنیا را اگر چنین و چنان نمائیم بر از عدل و داد و نصفت خواهیم کرد - اگر به يك سؤال بنده جواب داده شود - اینجانب نیز متقاعد خواهم شد که دنیای آتی بهشت موعود است و آن سؤال اینست .

آیا خودپسندی بعضی از افراد بشر میگذارد سایرین در رفاه باشند یا آنکه آن عده معدود برای تفوق خود بهر وسیله حتی به جنگ و هم نوع کشی مبادرت خواهند کرد؟

جواب میدهم بله - آنها نخواهند گذاشت دنیا روی خوش به بیند - آنها نخواهند گذاشت دنیا با صلح و سلم پیش رود و حسابهای حال و آتیه خود را در لوای صلح پایدار نموده و دنیای آتیه را پی ریزی نمایند .
با این اصل بخواهیم برای دنیای آتیه رنگی انتخاب کنیم یقیناً این رنگ سبز - صورتی - آبی - نارنجی و ... یعنی رنگ امید بخش نخواهد بود بلکه باید برای دنیای آینده رنگ سیاه را که بالای آن رنگ دیگری نیست انتخاب کنیم .

جامعه شناسان معتقدند که بشر خود را بدست خود منهدم خواهد کرد و خطری که او را تهدید میکند و باءت انهدام اوست از خود او و زائیده خود اوست .